

عنوان مقاله:

تحلیل رمان «چراغ ها را من خاموش می کنم» بر اساس نظریه گروه خاموش

محل انتشار:

مجله جامعه شناسی هنر و ادبیات، دوره 10، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

علیرضا دهقان نیری - عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران

مرضیه خلقتی - دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

بر مبنای تئوری گروه خاموش، قدرت مسلط مردان در جامعه در ساختار مرد-ساخته زبان نیز تبلور دارد و زنان به راحتی نمی توانند با این زبان مرد ساخته به بیان خود بپردازند و از این جهت به گروه های خاموش تبدیل می شوند. هدف این مقاله آن است که دریابیم بر مبنای نظریه گروه خاموش از کرامارا و نظریه رتوریک سلطه از استارهاک، آیا استراتژی های سلطه یعنی تسلیم، تمرد، گوشه گیری و دستکاری در رمان «چراغ ها را من خاموش می کنم» نوشته زویا پیرزاد وجود دارد و اگر وجود دارد چه گروه هایی را شامل می شود. همچنین به مطالعه کنش های قدرت دهنده که توسط گروه های تحت سلطه برای مقاومت در برابر سیستم سلطه جو استفاده شده پرداخته می شود. به این منظور، هفت متن منتخب از این رمان با روش تحلیل محتوای کمی و تحلیل رتوریک مطالعه شده اند. نتایج این مطالعه مطرح می کند که گوشه گیری و دستکاری بیشترین استراتژی های به کار رفته در رابطه زنان و مردان درون داستان است. نگاه پیرزاد به گروه در حاشیه فراتر از جنسیت است و طبقه، قومیت و مکان زندگی نیز می تواند مبنای شکل گیر این گروه ها باشد. پیرزاد در رمانش به کنش های قدرت دهنده به گروه های خاموش نیز توجه داشته است.

کلمات کلیدی:

چراغ ها را من خاموش می کنم، گروه خاموش، رتوریک سلطه، رمان، زویا پیرزاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1611673>

